

۲ - تشبیهات نا آشنا در شعر حافظ

دیگر آنهایی که بدیع و تازه بنظر می رسند اما پس از تحقیق روشن می شود که قبلاً در شعر فارسی بکار رفته اند. نهایت آنکه استعمال آنها فراوان نبوده و بمرحله ابتدال نرسیده است مانند تشبیه چشم به چراغ و ماه نو به کشتی و رخ به آینه و ماه نو به رکاب و نعل اسب و قطره عرق به شبنم و اشک به گلاب و جام به کشتی و عقل به شحنه و شراب به صبح. تشبیه چشم به چراغ :

بر شاخ نشسته دید زاغی

جشمی و چه چشم چون چراغی

(لیلی و مجنون نظامی تصحیح وحید ص ۱۲۸)

به خاک پای تو سو گند و نور دیده حافظ که بی رخ تو فروغ از چراغ چشم ندیدم

ص ۲۳۰ حافظ

به بوی مزده وصل تو تا سحر شب دوش به راه باد نهادم چراغ روشن چشم حافظ ۲۳۳
گر باد فتنه هر دو جهان را به هم زند ما و چراغ چشم و ده انتظار دوست حافظ ۴۳
چنانکه دیده میشود حافظ با قراردادن تشبیه در شبکه جادویی بیان خود آن را تکامل داده است مثلاً ضعف شعر نظامی بواسطه جمع شدن پنج « ج » در یک مصراع کوچک و بواسطه ذکر ادات تشبیه و بر اثر کوتاهی وزن آشکار است اما حافظ این بت عیار را هر لحظه یشکلی در آورده و به آن درخندگی و تابناکی خاصی بخشیده است : یکبار از راه خلاصه کردن تشبیه و در آوردن آن به صورت اضافه تشبیهی بار دیگر بر اثر مفید کردن « چراغ » به « روشن » و بالاتر از همه با آرایش شعر با صنایع و مزایای دیگر ادبی .

اینک مثالهای دیگر برای تشبیهات نا آشنائی که در آثار قبل از حافظ هم بوده است :

تشبیه اشک خونین و چشم خونین به شفق :

صبحدم چون کله بندد او دود آسای من چون شفق در خون نشیند چشم شب پیمای من

(خاقانی ص ۳۲۰)

اشک من رنگ شفق یافت ز بی مهری یار طالع بی شفقت بین که در این کار چه کرد

(حافظ ص ۹۵)

تشبیه چهره به آینه :

خراج چین سر زلفت ز مشک ناب گرفت رخ تو آینه از دست آفتاب گرفت (ظهیر ص ۳۶۶)

جلوه گاه رخ او دیده من تنها نیست ماه و خورشید همین آینه می گردانند حافظ
تشبیه ماه نوبه رکاب :

گر آفتاب نه‌ای از چه‌ای کمان ابرو تو چون سوار شدی ماه نور کاب گرفت (ظهير ۳۶۶)
یاد باد آنکه نگارم چه کمر برستی در رکابش مه نو بیک جهان پیمای بود (حافظ)
تشبیه هلال به نعل :

هلال شکل ز نعل سمنند او گیرد از این سبب ز خسوف ایمن است شکل هلال (ازرقی)
نعل سمنند شاه جهان است کاسمان هر ماه بر سرش نهد از بهر افتخار (ظهير فارابی)
در نعل سمنند او عکس مه بپیدا وز قد بلند او بالای صنوبر پست (حافظ ص ۲۰)
تشبیه نشستن قطره عرق به رخسار به نشستن شبنم بر گل :

بر برگ گل نسرین آن قباره دیگر چون قطره خوی بر زنج لعلت فرخار
(منوچهری ص ۳۷) ۲

از تاب آتشی می بر گرد عارضش خوی چون قطره‌های شبنم بر برگ گل چکیده
(حافظ ص ۲۹۴)

تشبیه اشک به گلاب :

باعدادان کنم از دیده گلاب افشانی آتشین آینه‌عریان به خراسان یابم (خاقانی ۲۰۵)
از نوحه جغد الحق ما نمم به در دسر از دیده گلایی کز در دسر ما بنشان (خاقانی)
گر چشم ما گلاب افشان شد حق است از آنک دل‌های ماست آینه گردان صبحگاه
(خاقانی ص ۳۷۵)

بنشان عرق ز چهره و اطراف باغ را چون شیشه‌های دیده ما بر گلاب کن
(حافظ ص ۲۷۲)

تشبیه ماه به مهد :

نرزند عزیز را به صد جهد بنشانند چوماه در یکی مهد (لیلی و مجنون ص ۵۷)
عماری دار لیلی را که مهد ماه در حکمت خدایا در دل اندازش که بر مجنون گذار آرد
(حافظ ص ۷۸)

تشبیه جام به کشتی :

در صف دریا کشان بزم صبوحی جام چو کشتی کش خرام بر آمد (خاقانی ص ۱۴۴)
کشتی باد بی‌اور که مرا بی‌رخ دوست گشت عمر گوشه چشم از غم دل دریائی (حافظ ص ۳۴۹)

تشبیه عقل به شحنه :

چرخ در این گوی چیست حلقه در گاه راز عقل در این خطه کیست شحنه راه فنا

(خاقانی ص ۳۵)

مارا ز منع عقل مترسان می بیار کان شحنه در ولایت ما هیچ کاده نیست (حافظ ص ۵۱)
تشبیه دل به صنوبر :

دل صنوبریم همچو بید می لرزد ز بیم درد فراق تو ای صنوبر دل

(خواجوبه نقل از مقدمه سهیلی خوانساری ص ۵۳)

دل صنوبریم همچوید لرزانست زحسرت قدوبالای چون صنوبر دوست (حافظ ص ۴۳)
تشبیه چهره به باغ و تشبیه نگاه به گل چیدن :

گل که یارد چیدن از باغ رخت چون به غمزه باغبانی می کنی

(عمادی شریازی به نقل از سخن و سخنوران ص ۵۲۵)

مراد دل ز تماشای باغ عالم چیست به دست مردم چشم از رخ تو گل چیدن (حافظ ص ۲۷۱)
تشبیه جهان به زال :

از خون دل طفلان سرخاب رخ آمیزد این زال سپید ابرو این مام سیه پستان (خاقانی)
به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو تو را که گفت که این زال ترک دستان گفت (حافظ ص ۶۱)

تشبیه شراب و جام و قدح به خورشید و آفتاب :

هم به خم اندر همی گذارد چونین تا به که نو بهار و نیمه نستان
آنکه اگر نیم شب درش بگشائی چشمه خورشید را ببینی تا بان (رودکی)
جام و کفش چون بنگری هست آفتاب و مشتری جام آینه است اسکندری می آب حیوان باز هم
(خاقانی ص ۴۵۷)

به نیم شب اگر آفتاب می باید ز روی دختر گلچهره ز نقاب انداز (حافظ ص ۱۷۸)
خورشید می ز مشرق ساغر طلوع کرد گر بر گه عیش می طلبی ترک خواب کن (حافظ ص ۲۷۳)
ز آفتاب قدح از ارتفاع عیش مگیر چرا که طالع وقت آنچنان نمی بینم (حافظ ص ۲۴۶)
تشبیه چشم به شمع :

ماه من زرد چو شمع است و زبان کرده سیاه مایه نور بدان شمع بصر باز دهید (خاقانی ص ۱۶۴)
پس از چندی شکیبائی شبی یارب تو آن دیدن که شمع دیده افر و زیم در مجرابا رویت (حافظ ص ۶۴)
تشبیه چشم به بادام :

مرا کیفیت چشم تو کافی است ریاضت کش به بادامی بسازد (باباطاهر عریان)
فندقه شکر و بادام تنگ سبز خط از پسته عناب رنگ (مخزن الاسرار ص ۶۳)
والهوشید است دایم همچو بلبل در قفس طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست (حافظ ص ۴۴)
تشبیه دهان به حقه :

بسته چو حقه دهن مهره دار راهگذر مانده یکی مهره دار (مخزن الاسرار ص ۶۰)
و گر کنم طلب نیم بوسه صد افسوس ز حقه دهنش چون شکر فروریزد (حافظ ص ۱۰۶)
تشبیه دل به مرغ :

با قفس قالب از این دامگاه مرغ دلش رفت به آدامگاه (مخزن الاسرار ص ۱۴)
مرغ دل و عیسی جان هم توئی چون تو کسی گر بود آن هم توئی (مخزن الاسرار ص ۷۷)
مرغ دل باز هوادار کمان ابروئی است ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد (حافظ ص ۱۱۹)
چگونه باز کنم بال در هوای وصال که ریخت مرغ دل پر در آشیان فرای (حافظ ص ۲۰۱)
دانست که خواهد شد من مرغ دل از دست و زان خط چون سلسله دامی نفرستاد (حافظ ص ۵۹)
شوخی مکن که مرغ دل بیقرار من سودای دام عاشقی از سر بدر نکرد (حافظ ص ۹۵)
از راه نظر مرغ دل گشت هوا گیر ای دیده نگه کن که به دام که در افتاد (حافظ ص ۵۷)

تشبیه خورشید به زرین علم :

چو عالم بر زد آن زرین علم را کزو تاراج باشد خیل غم را (خسرو شیرین س ۲۹۶)
سحر چون خسرو خاور علم بر کوهساران زد بدست مرحمت یارم در امیدواران زد (حافظ ص ۱۰۴)

تشبیه جهان به « دامگاه » نیز پیش از حافظ در شعر فارسی سابقه دارد :

با قفس قالب از این دامگاه مرغ دلش رفته به آرامگاه (مخزن الاسرار ص ۱۴)

چون شده ای کشته این دامگاه رخنه کنش تا بدر آئی به راه (مخزن الاسرار ص ۱۳۳)

تراز کنگره عرش میز نند صغیر ندانمت که در این دامگاه چه افتادست (حافظ ص ۲۷)

طایر گلشن قدم چه دم شرح فراق که در این دامگاه حادثه چون افتادم (حافظ ص ۲۱۶)

تشبیه ماه و خورشید به آینه نیز پیش از حافظ بوده است :

آینه دار از پی آن شد سحر تا تو رخ خویش ببینی مگر (مخزن الاسرار ص ۷۷)

عاشق خویشی تو و صورت پرست زان چو سپهر آینه داری بدست (مخزن الاسرار ص ۷۵)

بر کشید آینه از جیب افق چرخ و در آن بنماید رخ گیتی به هزاران انواع (حافظ ص ۱۹۸)

جلوه گاه رخ او دیده من تنها نیست ماه و خورشید همین آینه می گردانند (حافظ)

همچنین تشبیه جام و قدح به آئینه اسکندر :

جام و کفش چون بنگری هست آفتاب و مشق جام آینه است اسکندری می آب حیوان بازم

(خاقانی ص ۴۵۷)

عکس يك جامش دو گیتی می نماید کز صفات آب خضر و آینه جان سکندر ساختند (خاقانی)

آئینه سکندر جام می است بنگر تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا (حافظ ص ۳)

بعضی از این تعبیرات با آنکه در حافظ تکرار هم شده اند و در ابتدای امر تازه بدیع

می نمایند ولی پس از دقت معلوم می شود که در قدیم ترین اشعار فارسی نیز آمده اند و تازه شاعران

پیشین اینها را از شعر عربی گرفته اند مانند ، خنده جام ، قهقهه جام ، دل گشاده جام ، لب

خندان جام که همه تقریباً جلوه های مختلف يك تشبیهند :

با دل خونین لب خندان بیار همچو جام نی گرت زخمی رسد آئی چو چنگ اندر خوش

(حافظ)

چنگ در غلغله آید که کجا شد منکر جام در قهقهه آید که کجا شد مناع (حافظ ص ۱۹۸)

یاد باد آنکه چو با قوت قدح خنده زدی در میان من و لعل تو حکایتها بود (حافظ ص ۱۳۹)

یاد باد آنکه در آن بزم که خلق ادب آن که او خنده مستانه زدی صهبا بود (حافظ ص ۲۰۰)

خنده جام می وزلف گره گیر نگار ای بسا توبه که چون توبه حافظ بشکست (حافظ ص ۲۰)

دل گشاده دار چون جسام شراب سر گرفته چند چون خم دنی (حافظ ص ۳۲۹)

اینک اشعار عربی و فارسی پیش از حافظ که همین تشبیه را آورده است :

و یا ساقی الیوم عود اوئینا با بریق راح فی الکؤس مقهقهه (ابن ممتز) ۱

الاستحثة السقاة جثی لها فیکئی علی قرح الندیم وقهقهه (ابن ممتز)

۱ - اشعار عربی و شعرهای منوچهری و فرخی و مومنی که در دوسه صفحه آینه آمده است از کتاب « صورخیال در شعر فارسی » از صفحه های ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۸۰ تا الف دکتر محمد

رضا شفیعی که کتی نقل شده است .

از قهقهه قنینه چومی زو فرو و کنی
 ویا تشبیه « ثریا » به « عقد » و تشبیه « حوراء » به « مردی که کمر بند دارد منشأ
 عربی و بلکه یونانی و اسکندرانی دارد :

فقد الثریا فی المحاسن لعمره
 غزل گفتمی و در سفتی بیا و خوش بخوان حافظ که بر نظم تو افشاند فلک عقد ثریا را
 (حافظ ص ۳)

جوذا سحر نهاد حمایل بر ابرم یعنی غلام شام و سوگند می خورم (حافظ)
 ویا تشبیه هلال بد زورق و کشتی که آن نیز از عربی بد فارسی آمده است :
 انظر الیه کز ورق من فضا قدا نقلته حمولة من عنبر (ابن معمر)
 اینک سیر این تشبیه در شعر فارسی تا زمان حافظ :

به پیش رای وی اندر پدید شد رودی هلال زورق و خورلنگر و ستاره سنا (فرخی)
 چو یکت نیمه سپاه شب در آمد همه تابنده از خاور بر آمد
 چو سیمین زورقی در ژرف دریا مانند کشتی که ز دریا کند گذار (ظهور فارابی)
 روی فلک چه لجه دریا و ماه نو هستند غرق نعمت حاجی قوام ما (حافظ)
 دریای اخضر فلک و کشتی هلال
 ویا تشبیه ماه نوبه داس که با از عربی بد فارسی آمده است :

انظر الی حسن هلال بدا یهتک من انوار الهندما
 کمنجل قد صنع من فضا یحصد من زهر الدجی نرجا (ابن معمر)
 کشت حاجت زود بدو درند بر دست امید زانکه همچون داس زرین بود بر گردون هلال (معزی)
 گردون چو مرغزار و در او ماه نو چو داس گفتمی که مرغزار همی بد رود گیاه (معزی)
 مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته خویش آمد و هنگام درود (حافظ)
 ویا تشبیه شراب و جام شراب به صبح :

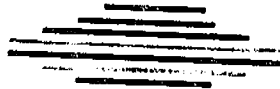
اشرب فقد شروضوا الصبح عنا الظلمات و صوب الابریق فی الکاس مدا ما عنندا
 کانه اذ مجد قهقهه بیکی دما (اسری رفاء)

جام و می رنگین به هم صبح و شفق را بین بهم تخت و جلال الدین به هم کیخسرو آثار آمده
 (خاقانی)

آن زمان وقت من صبح فروغ است که شب کرد خرگاه افق پرده شام اندازد (حافظ ص ۱۰۲)
 جام و می چو صبح و شفق ده که عکس آن گلگونه صبح را شفق آسا بر افکند
 (خاقانی ص ۱۳۴ تصحیح دکتر سجادی)
 بقیه در صفحه ۴۱۹

دیداری از کتابخانه‌های پاکستان

بخش دوم - ۶



۱۵ کتابخانه جمال سویدا (آقای حکیم محمد نبی خان)،
جهان نما ، ۵۵ ، الف ، گلبرگ - ۵۳ لاهور .
به همراهی و آشنایی آقای استاد وزیر الحسن عابدی به کتابخانه جمال
سویدا راه یافتیم . در این کتابخانه نوادر نسخ خطی فارسی و عربی موجود است .
کتابهای چاپی در حدود ۱۰۰۰ و نسخ خطی ۱۰۰۰ است گروهی از بزرگان
کتابشناسی و ادب و شعر ایران از این کتابخانه دیدن کرده اند ، اینک اسامی
چند نسخه خطی :

۱ - الاغراض الطیبه تألیف اسماعیل جرجانی کتابت ۷۸۶ ه ق ،
کتابت محمد بن محمود بن اقبال الکاتب الشیرازی (کاغذ هراتی بقطع
خشتی) .

۲ . دیوان سنایی ، کاتب محمد مراد لاهوری . تقریباً قرن ۱۰ ه ق .
(سنه ۲۰ جلوس عالمگیر) .

۳ - هفت اورنگ جامی ، تقریباً قرن ۱۰ ه ق .

۴ - کتاب نهج البیان فی صفة خلق الانسان ، کاغذ سمرقندی از آغاز
این نسخه این جمله رایادداشت کردم : « کتاب نسج البیان فی صفة خلق -
الانسان برسم الخزانة العالیة المولویة المملکة الاشرافیة عمرها الله تعالی ببقاه
عالمکها خدمته الملوك محمد بن یونس الحلیبی » .

آقای جمال سویدا (حکیم محمد نبی خان) فارسی دان و فارسی دوست
و محقق است و تصنیفات و تألیفات دارد و کتابشناسی ماهر و نسخه شناسی
آگاه است .

۱۶ - کتابخانه خانه فرهنگ ایران ، شاهراه قائد اعظم
(مال روڈ) ، ۵۵ ، لاهور

در این کتابخانه در حدود ۳۵۰۰ مجلد کتاب چاپی موجود است . مراجعان بدین کتابخانه دوستاران زبان و ادب فارسی هستند و همواره کتابها مورد مطالعه قرار می گیرند . آقای فرزانه پورو آقای جامعی کوششهای بیدریغ می کنند تا بر جویندگان و خوانندگان کتب فارسی محفوظ در قفسهها را افزایش دهند . کتابها در دفتر کتابخانه ثبت است و شماره ثبت بر روی کاغذی کوچک روی عطف نوشته است اما «برگه های کتاب» هنوز تهیه نشده است و «برگه دان» خالی است . ۹۰ درصد کتاب چاپ ایران است . هیچگونه نسخه خطی در این کتابخانه نیست بجز آثار دستنویس مرحوم میرزا قلیچ بیگ که امانه از طرف خاندان او در حیدر آباد سند در اختیار آقای رشید فرزانه پور مسئول سابق خانه فرهنگ ایران در حیدر آباد سند و مسئول کنونی خانه فرهنگ ایران در لاهور قرار گرفته است تا فهرست تفصیلی تحقیقی روی آنها انجام گیرد .

۱۷ - کتابخانه حکیم محمد موسی امرتسری، ریلو - رود (خیابان راه آهن) ، ۵۵ - لاهور .

مالک این کتابخانه حکیم حاج محمد موسی امرتسری است که از لحاظ فن پزشکی قدیم و نوع کارش شهرت ویژه دارد و ضمناً کتب و مقالات گوناگون در موضوع معارف اسلامی و ادب و طب نگاشته است . بعضی از کتابها در مطب او و بعضی در خانه اش انبار شده است . تقریباً چهار هزار مجلد کتاب چاپی و ۳۰۰ نسخه خطی دارد . اینک اسامی چند نسخه که در این کتابخانه دیدار کردم :

۱ - کلیات منیر لاهوری به خط نستعلیق خوش ، کتابت بسال ۱۰۵۴ ه ق . شامل :

جاوید بهار ، گلدسته منیر ، دستنبو و غزلیات و قصاید . این نسخه در اختیار مرحوم پیر غلام دستگیر نامی حاکی بوده است و نسخه یی است ارزنده و هنوز چاپ نشده است .

۲ - دلائل الخیرات با خط و کتابت زیبا .

۳ - کشف المحجوب هجویری .

۴ تحفة القادری تصنیف شاه الوالمعانی لاهوری کتابت ۱۱۹۸ ه ق . در

احوال و مناقب شیخ عبدالقادر گیلانی .

۵ - خلاصة المعارف سید آدم بنوری .

۶ - دستور الاطبا از هندو شاه فرشته .

۱۸ - کتابخانه دکتر سید محمد اکرم شاه (اکرام) ، دانشکده

خاورشناسی ، لاهور .

چند بار بمنزل آقای دکتر سید محمد اکرم شاه رقتم و از کتابخانه اش دیدن کردم . در حدود ۱۰۰۰ مجلد کتاب چاپی دارد ۹۵ درصد آنها فارسی

و ۷۰ درصد آنها چاپ ایران است . نسخه خطی در این کتابخانه ندیدم . دکتر اکرم شاه شاعری است آزاده و ادیبی است آگاه بزبان و ادب فارسی . تحقیقاتی در زبان ادب فارسی دارد از جمله :

۱ - اقبال در راه مولوی چاپ لاهور (رساله دکتری وی بوده) از طرف انجمن دوستی ایران و پاکستان منتشر شده است .

۲ - داده سخن تألیف سراج‌الدین علی آرزو ، چاپ لاهور ، از طرف اداره انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان منتشر شده است .

۳ - پروانه پندار (چاپ ایران) ، منظوم .

۴ - سکه عشق ، چاپ لاهور ، منظوم .

۴ - فارسی در پاکستان (زیر نظر و با اهتمام) .

۶ - تاج و تاجدار (زیر نظر و به اهتمام) .

۱۹ - کتابخانه رشید ، (سرهنگک دکتر خواجه عبدالرشید)

۱۵ ، خیابان علاءالدین ، لاهور .

مالک این کتابخانه آقای سرهنگک دکتر خواجه عبدالرشید است . محل کتابخانه در منزل او است که هم خانه و هم کتابخانه مهم و بزرگ است . جمعاً در حدود ۶۰۰۰ کتاب در این کتابخانه موجود است که به ترتیب تفکیک از این قرار است :

۱ - ۱۲۰ نسخه خطی فارسی و عربی .

۲ - ۲۰۰۰ مجلد چاپی فارسی و عربی .

۳ - ۱۵۰۰ مجلد چاپی انگلیسی .

۴ - ۲۰۰۰ مجلد چاپی اردو .

اینک اسامی چند نسخه خطی .

۱ - کنز السالکین ، کتابت ، ۱۲۰۲ هـ ق .

۲ - مثنوی مولوی ، کتابت ، ۱۰۵۴ هـ ق .

۳ - مجالس المؤمنین ، کتابت ، ۱۰۴۸ هـ ق .

۴ - دیوان برهمن (فارسی) ، چاپ شده در احمدآباد (گجرات

شرقی) .

۵ - دیوان واقف بتالوی لاهوری .

۶ - رقعات چند ربهان برهمن .

۷ - دیوان طالب آملی (منتخب) به خط شاعر خودش (بنا باظهار

سرهنگک عبدالرشید) .

۸ - مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه تألیف عزالدین محسن بود علی

کامانی کتابت در حدود قرن ۹ هـ ق . در آغاز و انجام این نسخه یادداشت‌هایی

عرفانی و تاریخی به خط استاد جلال‌الدین همایی آمده است (بدون تاریخ) .

۹ - دبستان المذاهب ، خط تحریر و نستعلیق ، تقریباً قرن ۱۲ هـ ق .

۱۰ - دیوان بیدل .

۱۱ - شاهنامه فردوسی کاتب کربلا هیت گرکانی قمی ۱۲۵۴ ه ق .
 سرهنگ دکتر خواجه عبد الرشید مدتی در ایران بوده است و نشان
 درجه سوم همایون به فرمان شاهنشاه آریامهر دریافت کرده است و عین فرمان
 رادرقایی زیبا روی ایوان مهمانخانه اش آویخته بود . وی دارای تألیف است و
 تحقیقات گوناگون بزبان انگلیسی و فارسی دارد و احوال و آثار او در مجموعه‌یی
 بنام کتابخانه رشید بقلم آقای دکتر یاسین رضوی چاپ شده است . اینک اسامی
 چند از تألیفات وی :

- ۱ - تذکره شمراي پنجاب به فارسی که از طرف اقبال آکادمی بمناسبت
 جشن تاجگذاری شاهنشاه آریامهر وشهبانو چاپ شده است .
- ۲ - معارف النفس (رموز تصوف) .
- ۳ - درباره طالب آملی .
- ۴ - معارف الآثار .
- ۵ - مقالات (در حدود ۵۰ مقاله) :

۲۰ - کتابخانه محمدیه مجدديه ، محله چمرنگان ، قصوری
 ضلع لاهور .

این کتابخانه در ملکیت آقای سید ارشاد حسین شاه سجاده نشین مرحوم
 مولانا محیی الدین شاه قصوری است . همکار همراه من در شناختن این
 کتابخانه و آشنایی با آقای سید ارشاد حسین شاه ، آقای محمد اقبال مجددی
 کتابشناسی آگاه و جوان و دانشمند در اداره تحقیقات تاریخی لاهور بود .
 مولانا غلام محیی الدین قصوری از اجله علمای اسلام در عصر خود بوده و مدرسه
 و مسجد و خانقاه و کتابخانه داشته است که همه آنها هم امر و نیز باقی و پای بر-
 جا است . مزار او در گورستان قصور زیارتگاه پیروان و معتقدان اوست .
 گورستان قصور يك منطقه وسیعی است و در آن آرامگاه‌های بسیاری از مشایخ
 و اولیاء الله و معارف اسلامی از جمله : مولانا غلام دستگیر قصوری حنفی هاشمی
 (متوفی ۱۳۱۵ ه ق) مؤلف تقدیس الوکیل ، قاسم شاه حنفی ، حافظ سید احمد
 شاه قادری (متوفی ۱۳۴۵ ه ق) ، سید غلام حسین شاه (متوفی ۱۳۲۵ ه ق) ،
 مولانا عبدالرسول (متوفی ۱۲۹۲ ه ق) مؤلف تحفه رسولیه به زبان فارسی و
 دیگران . ۹۰ درصد نوشته مزارات بزبان فارسی و اشعار ماده تاریخ فارسی
 است ، مثلا :

نکو نام داود قدسی سرشت بحکم خداد دار دنیا بهشت

پی سال رحلت نوا سنج غیب بفرمود در بزم باغ بهشت (۱۳۸۳)

اما کتابخانه مجدديه مجدديه یا کتابخانه مولانا غلام محیی الدین قصوری

در حال حاضر بسته شده است و کرم و غبار و نم و خاک و بوی توجهی به جان آنها

افتاده است و تقریباً رو بنا بودی می رود . در حدود ۵۰۰ مجلد کتاب چاپی و ۶۰۰ نسخه خطی عربی و فارسی و پنجابی وارد در این کتابخانه موجود است . هیچگونه فهرستی برای این کتابخانه تهیه نشده است و اصولاً نظم و ترتیبی ندارد و کتابهای چاپی و نسخه های خطی با هم آمیخته شده و در چند قفسه و درسه اطاق همانند خاشاک و چوب و سنگ روی هم انباشته شده اند و شاید ده سال باشد که دستی به آنها نرسیده باشد ، اینک اسامی چند نسخه خطی :

۱ - دره الناج لعمرة الدباج از محمود ملقب به قطب الدین شیرازی که در عهد فیلساف بن الملك سیف الدین رستم بن دباج تألیف شده کتابت در حدود قرن ۱۲ ه ق .

۲ - مجموعه دین المریدین از محمد جلال جلالی شاهی دربارۀ امیر سید محمد گیسو درازوشاه عالم .

۳ - خیر المجالس ملفوظات و اقوال شیخ نصیر الحق ، جامع آن حمید شاه قلندر ، کتابت ۱۱۲۱ ه ق .

۴ - اوراق پراکنده فارسی و عربی شامل اقوال شیخ بهاء الدین نقشبندی .

۵ - کتاب فقه عربی .

۶ - شرح موطأ از مولانا علی قاری .

۷ - خواجه عبیدالله ، تاریخ تألیف ۷۸۴ ه ق . کتابت تقریباً قرن ۱۰ ه ق .

۸ - مجموعه (فارسی) ۱ - رساله حلیه مبارکه از محمد هاشم تهنوی ،

۲ - تحذیر الاحوال مایورث الفقر والنسیان ، کتابت ۱۲۸۱ ه ق . ۳ - رساله مولانا عبدالرحیم در شرح سمرسید گیسو درازمنتخب از کتاب «اسمارالاسرار» ،

۴ - رساله در شرح ابیات شیخ عبدالقادر جیلانی از محمد رفیع الدین ، کتابت ۱۲۲۲ ه ق .

۹ - عوارف المعارف از شیخ شهاب الدین سهروردی ، کتابت ۹۴۰ ه ق .

۱۰ - شرح وقایه ، کتابت ۹۵۲ ه ق .

۱۱ - کتاب الفقه (حنفی) (عربی) .

۱۲ - رشد المجالس فارسی تألیف موسی محمد الشنوارى افغانی .

۱۳ - تفسیر قرآن از شیخ نجم الدین کبری (عربی) .

۱۴ - منتهی الایجاز لکشف الایجاز تألیف مولانا محمد باقر بن شرف -

الدین الحسینی لاهوری ، ۱۱۰۷ هـ ق .

- ۱۵ - مجموعه (فارسی و عربی) : ۱ - شجرهٔ نسب حضرت محمد «ص» نقل از طبقات الناصری و سیرهٔ النبی و عرایس القصص و جوامع الحکایات ،
 ۲ - بحر المذاهب تألیف عبدالوهاب الراجکبری ، ۳ - رساله در تحقیق المسائل مهمه از شیخ حامد قاری ، ۴ - رد المنکرین از مولوی علی محمد حسین تلمیذ حضرت مولوی یار محمد ملتانی ، و چند رسالهٔ دیگر .
- ۱۶ - شور جنون (مثنوی) سرودهٔ سرغازی متخلص به شهید . کاتب محمد صالح ، کتابت ۱۲۴۹ هـ ق . در این کتاب چند مثنوی کوتاه است که همهٔ آنها در جواب حکیم زلالی خوانساری سروده شده است : « اشک و آه » در جواب حسن گلو سوز ، نالهٔ عشاق در جواب ذره و خورشید ، شعلهٔ دیدار در جواب مثنوی دیگر .
- ۱۷ - اسرار الاولیاء ملفوظات یا اقوال بابا فرید الدین گنج شکر .
- ۱۸ - رساله البروره فی تجویز الاسماء المشهوره تألیف مولانا غلام محیی الدین قصوری ، کاتب غلام نبی .
- ۱۹ - مکتوبات حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد سرهندی (به زبان فارسی ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲) این نسخه را مولانا غلام محیی الدین قصوری پیش شاخ خود شیخ محمد قصوری و شاه علام علی دهلوی خوانده است .
- ۲۰ - مقامات مظهری شامل اقوال (ملفوظات) میرزا مظهر جان چانان تألیف شاه غلامعلی دهلوی .
- ۲۱ - طب اکبر تألیف محمد اکبر ازانی ، کتابت ۱۱۵۵ هـ ق .
- ۲۲ - تدقیق النظر فی تحقیق النذر تألیف حاجی سمدالله لاهوری به ضمیمهٔ این نسخه یک « رسالهٔ جفر » است .
- ۲۳ - کنز الهدایات کشف البدایات تألیف شیخ محمد باقر بن شرف الدین العباس اللاهوری .
- ۲۴ - کلید التوحید تألیف سلطان باهولد باربد عرفا - وان ساکن قلعهٔ شورکوت ، کتابت ۱۱۰۲ هـ ق . به ضمیمهٔ این نسخه رساله‌های فارسی آخوند درویزه . کتابت ۱۲۱۲ هـ ق .
- ۲۵ - مجموعه : ترجیع بند و دیوان فرشته و دیگر رسائل فارسی در موضوع عرفان و حکمت و دین .

- ۲۶ تذکرة الاولیاء (مؤلف ناشناخته) ، فارسی ، خوش خط مذهب و لوح دار ، تاریخ تألیف ۹۸۵ .
- ۲۷ - در المعارف تصنیف شاه احمد رأفت مجددی به ضمیمه ملفوظات غلامعلی دهلوی ، کاتب عبدالحکیم ، کتابت ۱۲۲۰ هـ ق .
- ۲۸ - شرح گلستان سعدی به عربی و رساله دیگر تألیف غلامحسین الدین کتابت ۱۲۲۵ هـ ق .
- ۲۹ - کتاب الفقه به خط و کتابت قدیم تقریباً قرن ۸ هـ ق .
- ۳۰ - تزکیة النفوس ترجمه طریقه محمدیه و سیره احمدیه .
- ۳۱ - قران السعدین منظوم از امیر خسرو .
- ۳۲ شرح عجایب القلوب .
- ۳۳ - تذکرة الاحیاء و تحفة الاصحاب تألیف عبدالحکیم بن الشمس -
- ۳۴ - فتوحات مکيه (ترجمه فارسی) .
- ۳۵ - نزهة الابرار فی سیر النبی المختار .
- ۳۶ - بستان فقیه ابواللیث .

بقیه از صفحه ۴۱۲

تعبیر دختر رز که بارها در حافظ آمده است نیز اصل عربی دارد و در آن زبان به صورت « ابنة عنقود » و « ابنة الکرم » آمده است :

علالی بصوت نامی و عود والقیانی دم « ابنة عنقود »
 صنعة الظلول بلاغة القدم فاجعل صنعاتک « ابنة الکرم »
 خاقانی نیز این تعبیر را بصورت « بنت العنب » آورده است :

مرا سجده که بیت بنت العنب به که از بیت ام القری می گریزم (خاقانی)
 امشب می جام يك منی خواهم کرد خود را به دور ظل می غنی خواهم کرد
 اول سه طلاق عقل و دین خواهم داد پس دختر رز را به زنی خواهم کرد (خیام)
 دوستان دختر رز تو به زمستوری کرد شد سوی ، حسب و کار به دستوری کرد (حافظ ص ۹۵)
 عروسی بس خوشی ای دختر رز ولی که که سزاوار طلاقی - (حافظ ص ۳۲۳)
 ساقیادپوانه ای چون من کجا در بر کنش دختر رز را که نقد عقل کابین کرده اند (حافظ ص ۳۳۶)
 به نیم شب اگر ت آفتاب می طلبید می باید ز روی دختر گل چهر رز نقاب انداز (حافظ ص ۱۷۸)
 و همچنین به صفحه های ۱۷۸ و ۱۵ و ۴۵ و ۹۰ و ۲۰۴ و ۳۶۷ حافظ زوینی نگاه کنید .

چنانکه دیدیم منبع الهام حافظ در اینگونه تشبیهات بیشتر شاعران پیش از او یا معاصر او است از قبیل : رودکی ، منوچهری ، ظهیر ، خاقانی ، نظامی ، سعدی ، مولوی ، خواجه ، و سلمان و شاه نعمت الله ولی و حتی شاعران عربست .

در این میان از این لحاظ شاید نظامی و خاقانی و ظهیر و خواجه و در او اثر بیشتری داشته اند .



علی اصغر حکمت
استاد ممتاز دانشگاه

دانشگاه تهران چگونه بوجود آمد؟

یادداشت‌هایی از عصر پهلوی

بقیه شماره ۲۹۵

قسمت سوم

سازمان

همزمان با بنای عمارت دانشگاه تهران که شرح حال آن در دیویدادداشت سابق ذکر شد، تشکیلات آن دستگاه عظیم نیز آغاز گردید. یعنی همراه ساختمان به کار سازمان هم مشغول شدیم. در حقیقت ساختمان بمنزلۀ جسم و جسد بود و سازمان مانند روح و روان. در ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ لوحه یادگار بنای دانشگاه در دل سنگ نهاده شد همچنان در زمستان آن سال نیز تشکیلات آنرا شروع کردم.

مطالعه در طرح ریزی تأسیس دانشگاه به عهده کمیسیونی محول گردید که اعضای آن به دقت انتخاب شده بودند. فرهنگ و معارف و علوم عالیۀ کشور در آن وقت در برابر چهار مکتب و طرح فرهنگی قرار داشت که هر یک به قیافه مستقل و مخصوصی نمایان می‌شود هر کدام بجای خود به صفات چند اختصاص داشت.

اول فرهنگ ملی و تاریخی مملکت ایران که در نتیجه تمدن اسلامی پیکره علوم و فنون گو ناگون را در این کشور نشان میداد. مساعی و کوششهای علما و دانشمندان ایران از قرن دوم تاریخ اسلام به صورت ترکیبی از مدنیت قدیم عصر ساسانی آمیخته به تعالیم اسلام و فرهنگ پهلوی پارسی ممزوج و با لسان عرب تکامل یافته و شکل دل آویز و زیبایی به خود